

تحلیل محتوای مفهوم صلح در شعر شاملو

(مطالعه موردی: مجموعه هوای تازه)

سجاد ممبینی^۱، دکتر مسعود حاجی‌زاده میمندی^۲، یاسین خرم‌پور^۳

چکیده

پژوهش حاضر بر آن بوده است تا به روش توصیفی-استنباطی به تحلیل محتوای مفهوم صلح در مجموعه شعر "هوای تازه" اثر شاملو (الف. بامداد) بپردازد. در این راستا، ابتدا سازه صلح در سه بُعد آزادی، برادری و آبادانی دسته‌بندی شده است که به منظور عینیت‌تجربی بیشتر، هر کدام از این ابعاد نیز به چند زیر شاخه فرعی تقسیم گردید. سپس کدهای استخراج شده از اشعار، در متغیرهای مناسب خود قرار گرفتند. یافته‌ها نشان می‌دهد که در شعر شاملو، مفهوم صلح به میزان زیادی قابل مشاهده است؛ به‌گونه‌ای که از میان شصت و نه قطعه شعر هوای تازه، در شصت و یک شعر به‌طور مستقیم و غیرمستقیم، مفهوم صلح قابل استنباط است. هم‌چنین از بین کدهای استخراجی، بیش‌ترین کد معادل چهل و هفت و سه دهم درصد، در بُعد برادری قرار دارند. به‌منظور دست‌یابی به سطح تبیین، یافته‌ها در یک زمینه تاریخی-اجتماعی مورد تحلیل جامعه‌شناختی نیز قرار گرفت. نتیجه آن‌که می‌توان شاملو را در مجموعه هوای تازه، شاعری صلح طلب نامید که در بستر تاریخی عصر خویش، شعرش منادی آزادی، برادری و صلح بوده است.

کلید واژه‌ها: شاملو، هوای تازه، صلح، آزادی، برادری، تحلیل محتوای.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه یزد (نویسنده مسئول) sajadmombeini68@yahoo.com
۲. دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه یزد masoudhajizadehmandi@gmail.com
۳. مدرس دانشگاه پیام‌نور واحد بهبهان khoram67@yahoo.com
تاریخ وصول: ۹۳/۱۲/۰۱
تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۳/۲۷

مقدمه

امروزه بشر بیش از زمان‌های دیگر نیازمند آرامش، صلح و دوستی است. از همین روست که بسیاری از دولت‌مردان در صحنه‌های ملی و جهانی، حمایت از صلح و روابط حسنه را جزء اصلی‌ترین شعارهای تبلیغاتی خود قرار می‌دهند. بشر مدرن که در قرن بیستم به واسطه دو جنگ جهانی، جنگ سرد و تنش‌های بین‌المللی در دو اردوگاه غرب و شرق، رنج‌های بسیاری را تجربه کرده است، به نظر می‌رسد اکنون در پی آن است تا با سرلوحه قرار دادن مفاهیم و ارزش‌های فرهنگی‌ای هم‌چون صلح، از تکرار چنین حوادثی جلوگیری نماید. شکل‌گیری جنبش‌های صیانت از محیط زیست، مبارزه با نژادپرستی، حمایت از کودکان بی‌سرپرست و کودکان کار و نیز ایجاد تشکل‌های نوع‌دوستانه‌ای هم‌چون یونسکو (UNESCO) (۱۹۴۵ م.)، سازمان ملل متحد (۱۹۴۵ م.)، فائو (FAO) (۱۹۴۵ م.)، یونیسف (UNISEF) (۱۹۴۶ م.) و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (۱۹۵۷ م.)، نمونه‌هایی از تلاش انسان امروز در این راستا هستند.

به‌عنوان نمونه مقدمه اساس‌نامه یونسکو که در ۱۹۴۵ م. تصویب شد، یونسکو را نسبت به پیشبرد اهداف صلح جهانی و رفاه همگانی بشر، از طریق روابط آموزشی و علمی و فرهنگی خلق‌های جهان، متعهد می‌سازد و اظهار می‌دارد که صلح اگر قرار است که پایدار بماند، بایستی بر همبستگی فکری و اخلاقی بشر مبتنی باشد (یونسکو، ۱۳۶۵: ۲۱-۲۰). به نظر می‌رسد که با وجود شکل‌گیری نهادها و جنبش‌های مذکور، هنوز هم آموزش صلح در جهان جایگاه تقریباً نازلی دارد، به‌عنوان مثال «در کشورهای جهان سوم موانع زیادی مانند ضعف ساختارهای سیاسی، اختلافات داخلی، ایدئولوژی‌های افراطی و تمامیت‌خواه باعث نادیده گرفته شدن برنامه‌های صلح محور شده است» (قادری و همکاران، ۱۳۸۷: ۵۰).

به‌طور کلی اصطلاح "صلح" «بر تلاش مشترک موجودات انسانی برای حل تعارض، احترام به استانداردهای عدالت، ارضای نیازهای اساسی و احترام به حقوق بشر مبتنی است» (قادری و همکاران، ۱۳۸۷: ۵۳). صلح به‌عنوان ارزشی مطلق «فقط می‌تواند بر این باور استوار باشد که روابط بین آحاد بشر، رابطه میان افرادی برابر است» (لوفور، ۱۳۶۵: ۵). به زبان ساده می‌توان گفت صلح زمانی در جهان بشری تحقق عینی یافته و تداوم می‌یابد که انسان‌ها از دریچه فرهنگ مشترک بشری به جهان نگرسته و در تمامی شئون به حق متقابل و آزادی یکدیگر احترام بگذارند.

یکی از عرصه‌هایی که به‌راستی می‌تواند زمینه‌های فرهنگی برای توسعه مفهوم صلح در ذهن عمومی بشر را فراهم کند، ادبیات و خاصه شعر است. شعر از آن‌جایی که تجلی‌گاه

احساسات ناب، پاک و مشترک بشری است، می‌تواند بر نقاط تفاهم انسانی انگشت‌گذاری کرده و سطح مدارای بشر را افزایش دهد. کما این‌که شعر کسانی چون سعدی، گوته، لورکا، نرودا و بسیاری دیگر در این راستا ارزش خود را نشان دادند. در ادبیات فارسی علاوه بر آثار کلاسیک، شعر نیمایی نیز «از آغاز، پیام‌آور ارزش‌های تازه‌ای برای انسان ایرانی بوده است. گسترش این ارزش‌ها توانسته است آفاق انسان‌دوستی کهن فرهنگ ما را به چشم اندازه‌های انسانی نو ببیند» (مختاری، ۱۳۷۱: ۲۹). احمد شاملو از جمله شاعران معاصر و پیرو نیما است که بخش قابل توجهی از شعر وی، ترکیب زیباشناسانه حماسه و عشق در جهت ستایش خصایل انسانی است. به طوری که می‌توان گفت «تأثیر شعر وی از انسان‌گرایی قرن اخیر و مکتب‌های آزادی‌خواه نمود بارزی داشته است و مسائل اومانیستی به روشنی در آن جریان دارد» (گروه نویسندگان، ۱۳۸۷: ۵۹۴). شاملو با محور قرار دادن انسان در شعر خود، به نوعی به تمامی دستاوردهای فرهنگی و اجتماعی او هم‌چون برادری، صلح و امید در شعر میدان می‌دهد.

پژوهش حاضر می‌تواند از دو جهت حائز اهمیت باشد، یکی آن‌که، صلح به عنوان آرمانی انسانی، برای آن‌که به صورت یک گفتمان فراگیر درآید، به تعبیر "فوکو" نیاز به یُرگویی و توجه زبانی بسیاری دارد؛ یعنی باید راجع به مفهومی، بسیار نوشت تا سرانجام نهادینه گردد (فوکو، ۱۳۸۳: ۱۲۴). دوم آن‌که، شاملو یکی از شاعران متعهد فارس زبان به آرمان‌های انسانی است و می‌توان از طریق رجوع به شعر او، در راستای گفتمان‌سازی راجع به مقوله صلح، گامی برداشت. بخش قابل توجهی از اشعار دفتر "هوای تازه"، محصول دوره حضور شاملو در زندان سال‌های کودتای مرداد بوده (شاملو، ۱۳۸۳) و از همان‌جاست که وی نگاه ویژه‌ای به صلح و دوستی در شعر مبذول می‌دارد. بنابراین، تحلیل محتوای اشعار این مجموعه، کمک زیادی نیز به کشف جهان‌بینی شعر فارسی در مقطعی خاص از تاریخ آن دارد. پژوهش حاضر به‌طور کلی در پی پاسخ به این مسئله است که مفهوم صلح تا چه میزان در محتوای اشعار کتاب هوای تازه، قابل استنباط است و از سوی دیگر در صدد تبیین و یافتن علت‌های وجود چنین محتوایی در این مجموعه شعر است.

پیشینه تحقیق

یکی از دیگر دلایل ضرورت انجام تحقیق حاضر آن است که تا کنون پژوهشی تحت این موضوع خاص بر روی آثار شاملو انجام پذیرفته است، هم‌چنین پژوهش‌های صورت گرفته، بیشتر جنبه ادبی صرف داشته و کمتر روش‌مند بوده‌اند. در بین این تحقیقات می‌توان به کتاب "انسان در شعر معاصر" (۱۳۸۷) نوشته مختاری توجه نمود. به عقیده مختاری،

زنجیره نگرش و گزینش شاملو، چهار دوره از گرایش به انسان را به هم پیوسته است که محتوای هر یک متأثر از نوسان‌های تاریخی - اجتماعی آن است. وی در بخش‌هایی از کتاب، به کنکاش محتوای اجتماعی شعر شاملو می‌پردازد و در آن مفاهیمی چون انسان‌گرایی، عشق، مبارزه، نوع‌دوستی و درک حضور دیگری را برجسته می‌داند. کیشی پورریک در پژوهشی تحت عنوان "نقد و تحلیل محتوای شعر معاصر"، درباره شاملو می‌نویسد: «شاملو شاعری عدالت‌خواه، آزادی‌خواه و انسان‌مدار است، وی درد اجتماع را به‌عنوان یک روشنفکر به‌دوش دارد و چرخه زندگی را با عشق نشان می‌دهد» (کیشی پورریک، ۱۳۸۵: ۲۳۲-۲۳۱). معتقدی نیز در تحقیق خود پیرامون مضامین اجتماعی شعر شاملو، بیان می‌دارد که: «عدالت، آزادی، زیبایی و عشق، خواهران توأمان شعر شاملو بودند. چهره اومانیسیم در ساحت شعری شاملو، در زبان‌های مختلف چهره‌ای گزنده، دشوار و جریان مرگ را با حسی عاشقانه معنا می‌بخشد» (معتقدی، ۱۳۸۴: ۱۰۷-۱۰۶). در مطالعه دیگری به نام "زیستن و معجزه کردن: نگاهی به مفهوم زندگی در اشعار شاملو"، نویسنده معتقد است: «شاملو در زندگی و شعرش همواره روزی را انتظار می‌کشد که انسان‌ها آزاد، رها و معجزه‌گر به زندگی بپردازند. روزی که هر حرفی از دهان انسان بیرون آید، حدیث زندگی نوینی باشد و پیام‌آور امیدی سازنده» (معتقدی، ۱۳۸۴: ۳۳۲-۳۳۱).

الف) دیدگاه‌های معرفتی - جامعه‌شناختی پیرامون صلح

در پژوهش حاضر به منظور دستیابی به ابزاری تبیینی، دو مورد از مهم‌ترین نظریه‌هایی که پیرامون مسئله صلح و بهبود تعاملات بین انسانی مطرح می‌باشند، به‌طور مختصر ارائه می‌گردد. در ابتدا دیدگاه فیلسوف برجسته یعنی امانوئل کانت (Kant) و پس از آن نظریه یورگن هابرماس (Habermas) مورد بررسی قرار می‌گیرند. هر دو دیدگاه بر صلح در زمینه و یا مقیاس اجتماعی توجه داشته و به پیش‌شرط‌های تحقق صلح و ارتباط دموکراتیک و نیز امکانات مترتب بر آن می‌پردازند.

الف. ۱) کانت: زمینه‌های فردی و اجتماعی صلح

به اعتقاد کانت «در تمام جهان هیچ چیز به اندازه حقوق مردم، مقدس و محترم نیست. حقوق مردم، چیزی است که به هیچ وجه نمی‌توان در مورد آن چون و چرا کرد یا آن را مورد تعرض قرار داد» (کانت، ۱۳۸۰: ۲۶۳). کانت نیل به صلح را از چهار عامل میسر دانسته است: «عامل نخست، انسان خردمندی است که بی‌تناقض به پدیده‌های جهان و به

اعمال خود فکر می‌کند و هم‌زمان از نگاه دیگران نیز می‌اندیشد. عامل دوم، انسان اخلاقی است که دارای اراده است، آزاد است و در پرتوی آزادی، آگاهانه اعمال خویش را بر حسب تکلیف و نه بر حسب نتایج انتخاب می‌کند. در سطح ملی، کانت به یک نظام جمهوری عقیده دارد که تابع اراده اکثریت آرای مردم است. در سطح بین‌المللی نیز اندیشه تشکیل فدراسیون دولت‌های آزاد با حداقل نهادینگی را پیشنهاد می‌کند. به باور او تشکیل این فدراسیون خود وسیله تحقق اندیشه و غایت والاتری با عنوان ایده جهان‌وطنی و شهروند جهانی است» (قادری و همکاران، ۱۳۸۷: ۴۷). بدین ترتیب کانت اگرچه بر عوامل فردی مثل خردمندی و اخلاق تأکید زیادی دارد ولی از تشکیل جمهوری‌های ملی و فدراسیون‌های جهانی نیز سخن می‌گوید و بدین ترتیب رویکرد اجتماعی خود به مسئله صلح را نشان می‌دهد.

کانت به شورش‌های اجتماعی - مدنی بدبین است، بنا به دیدگاه وی، دموکراسی با آشوب و هرج و مرج اجتماعی رخ نمی‌دهد؛ چرا که وی معتقد است «دموکراسی در ذهن افراد جامعه اتفاق می‌افتد و به این سبب، نیازمند زمان و انرژی بسیار است. بدین ترتیب در دیدگاه وی برای تحقق دموکراسی باید از طریق تنویر اذهان عمومی و به‌ویژه تعلیم و تربیت اقدام کرد و نه از طریق جنگ» (همان: ۶۱). بنابراین روشن است که گرچه کانت در ابعاد اجتماعی به مسئله صلح توجه دارد، لیکن شکل‌گیری صلح اجتماعی را منوط به تحقق و ایمان به آن در نفس افراد انسانی می‌داند و از این جهت می‌توان گفت که رویکرد کانت، بیشتر رویکردی میکرولوژیک به عرصه صلح است.

الف. ۲) هابرماس: حوزه عمومی و جهانی انسانی‌تر

«یورگن هابرماس اصطلاح حوزه عمومی را در مورد عرصه‌ای اجتماعی به‌کار می‌برد که در آن، انسان‌ها از طریق مفاهمه و استدلال در فضایی رها از هرگونه فشار، اضطراب یا اجبار درونی (خودخواسته) یا بیرونی (قهری) و بر پایه آزادی و آگاهی تعاملی و برابری همه طرف‌های مشارکت‌کننده، مجموعه‌ای از رفتارها و رویکردهای ارزشی تولید می‌کنند که هم‌چون ابزاری کارساز برای اثر گذاردن بر رفتار و کارکرد دولت، به‌ویژه عقلانی ساختن قدرت دولتی، عمل می‌کند» (نوذری، ۱۳۸۶: ۴۳۹). از نظر هابرماس، عقلانیت ناظر به ارتباط یک عقلانیت مفاهمه‌ای است که در نهایت موجبات همدلی و فهم مشترک میان آحاد حوزه عمومی را فراهم می‌سازد. به گفته هابرماس «توافقی که از طریق ارتباط قلبی

بدست آمده باشد، یک مبنای عقلی دارد و نمی‌تواند تحمیلی باشد» (لاکوست، ۱۳۶۳: ۱۳۴).

در یک نگاه کلی می‌توان گفت «هابرماس به کنش ارتباطی علاقه‌مند است که طی آن، کنش‌های افراد درگیر نه از طریق حساب‌گری‌های خودخواهانه موقعیت، بلکه از طریق کنش‌های تفاهم‌آمیز، هماهنگ می‌شود. افراد دخیل در چنین کنش ارتباطی، اساساً در بند موفقیت شخصی‌شان نیستند، بلکه هدف‌هایشان را در شرایطی تعقیب می‌کنند که بتوانند برنامه‌های کنش‌شان را بر مبنای تعریف‌هایی از موقعیت مشترک، هماهنگ سازند» (بهرامی کمیل، ۱۳۸۱: ۲۵). بنابراین زودودن عبار عقلائیته ابزاری از حوزه عمومی و جانشینی عقلانیت ارتباطی به جای آن، سبب ایجاد روابط آزاد، انسانی، صلح جویانه‌تر و با تفاهم بیشتر به جای روابط سودمحور و سلطه‌جو در بین افراد می‌گردد.

ب) تعریف نظری و نمادین سازه

در قطع‌نامه‌ای که در هیجدهمین اجلاس کنفرانس عمومی یونسکو در ۱۹۷۴م. به تصویب رسید، صلح این‌گونه تعریف شده است: «صلح صرفاً عدم وجود تعارض مسلح نیست، بلکه در اصل به معنای روندی از پیشرفت، عدالت و احترام متقابل بین مردم است» (یونسکو، ۱۳۶۵: ۲۰). اچه‌وریا (Echeverria) نیز به‌طور مشابهی در تعریف صلح می‌گوید: «از دیدگاه ما صلح، صورتی است از خرد و مذاکره که به فعلیت درآمده باشد. امروزه صلح فقط متضاد جنگ نیست، بلکه چارچوب سیاسی و فلسفی دسترسی عملی به شکل جدیدی از پیشرفت است که تعلیق تعارضات را محقق می‌سازد و به ایجاد جامعه جدیدی مبتنی بر مذاکره، خودآزمایی و آزادی می‌انجامد» (اچه‌وریا، ۱۳۶۵: ۶). مجموعه دانستنی‌های ویکی‌پدیا، صلح را به مفهوم جامعه و یا رابطه‌ای که به شکلی هماهنگ و عاری از برخورد عمل می‌کند، پیوند می‌زند. از این دید، صلح به‌طور کلی در مجموعه‌ای از روابط سالم و بهبود یافته فردی و بین‌المللی، امنیت اجتماعی و اقتصادی، تساوی حقوق، روابط سیاسی عادلانه و نهایتاً عدم خصومت و دشمنی، خلاصه می‌شود. (Cf: *www.forum. Iranvij ir*) در فرهنگ فارسی معین نیز برای صلح این معانی برشمرده شده است: «سازش، آشتی، توافق، پیمانی که بر حسب آن دعوایی را حل و فصل کنند» (معین، ۱۳۷۷: ذیل صلح).

در روز بیستم ژوئن ۱۹۸۶م. (سال جهانی صلح)، اداره پست سازمان ملل مجموعه‌ای از چند تمبر را به یادبود این سال منتشر کرد. این تمبرها که توسط هنرمندانی از کشورهای مختلف طراحی شدند، مبین مایه‌هایی نمادین هستند. کبوتران در حال پرواز و تهیه آشیانه

بر فراز یک درخت، طرح اسلوبی شده کبوتری به چندین رنگ و شاخه زیتون که رنگین کمانی بر فراز کل کره زمین به وجود آورده است، نمونه‌هایی از آن تمبرها بودند (مارتنسون، ۱۳۶۵: ۲۵). علاوه بر این شایان ذکر است که یکی از مشهورترین و شناخته‌شده‌ترین نمادهای صلح، کبوتر سفید است (cf: ariaayigirls.blogfa.com).

پ) تعریف عملیاتی متغیرها

برای آن‌که مفهوم صلح، به گونه‌ای کمی قابل اندازه‌گیری گردد، باید به صورتی عملیاتی تعریف شود. بدین منظور از تعریف نظری این سازه، متغیرهایی بیرون کشیده شد تا به کمک آن‌ها مقصود نهایی که اندازه‌گیری کمی مفهوم صلح است، حاصل گردد. بر اساس تعاریف ارائه شده برای صلح، سه مفهوم کلیدی که در واقع ابعاد سازنده صلح به عنوان یک سازه هستند، شناسایی گردید: آبادانی (مستفاد از عبارات پیشرفت، امنیت اجتماعی و اقتصادی، تهیه آشیانه)، برادری (مستفاد از عبارات عدالت، احترام متقابل، مذاکره، تساوی حقوق، روابط سیاسی عادلانه، عدم خصومت و دشمنی، سازش، آشتی، توافق و همکاری کبوترها) و آزادی (مستفاد از واژه‌های آزادی، پرواز کبوترها، کبوتر).

جهت دستیابی به مجموعه معانی مربوط به ابعاد تعریف شده، برای سازه صلح (آبادانی، برادری و آزادی)، از فرهنگ فارسی معین استفاده شد:

آزادی: ۱- آزادیگی. ۲- آزاده بودن. ۳- رهایی، خلاص. ۴- شادی، خرمی. ۵- استراحت، آرامش. ۶- جدایی، دوری. ۷- شکر، سپاس (معین، ۱۳۲۷: ذیل آزادی).
آبادانی: ۱- عمارت، عمران، آبادی. ۲- زراعت، کاشت. ۳- محل آباد، آبادی، قریه. ۴- رفاه، آسایش (همان: ذیل آبادانی).

برادری: ۱- برادر بودن. ۲- اخوت. ۳- مساوات (همان: ذیل برادری).
بر اساس معانی بیان شده برای ابعاد مذکور در فرهنگ معین، هر کدام از بُعدها نیز خود به چند متغیر درونی تقسیم شدند. بدین ترتیب، مقوله آزادی خود به سه متغیر فرعی (رهایی، شادی و آرامش)، برادری خود به دو متغیر فرعی (بیمان و مهربانی) و مقوله آبادانی نیز به دو متغیر فرعی (رفاه و آبادی) تقسیم شدند.

ت) روش تحقیق

در این پژوهش روش تحلیل محتوا (Content analysis) مورد استفاده قرار گرفت. «تحلیل محتوا، روشی است که به منظور بررسی منظم، عینی و مقدراری محتوای آشکار ارتباطات صورت می‌گیرد» (مستقیم، ۱۳۱۹: ۱۱۴). در پژوهش حاضر هم از تحلیل

محتوای توصیفی استفاده شده است و هم استنباطی. «در تحلیل محتوای توصیفی، به توصیف کمی محتوای بارز یک متن پرداخته می‌شود. استنباط نیز در این مفهوم بدین معناست که مشخصه‌های خاصی از یک متن با مشخصه‌های خاصی از مضمون یا وضعیت اجتماعی مرتبط هستند» (محمدی فر، بی‌تا: ۲۷).

جامعه آماری در این پژوهش کتاب «هوای تازه» اثر شاملو است (صفحات ۳۱۰-۱۷/ از دفتر یکم مجموعه آثار). نمونه مورد نظر در این تحقیق کلیه اشعار (شصت و نه قطعه) موجود در کتاب هوای تازه است. در پژوهش حاضر از دو واحد تحلیل برای استخراج کدها استفاده شده است؛ یکی کلمه (شامل اسم، صفت، قید و فعل) و دیگری مصراع. کلمات استخراج شده مستقیماً بر مفهوم مورد نظر دلالت می‌کنند و مصراع‌ها به صورت استعاری و غیرمستقیم‌تر. برای استخراج کدهای مربوط به سازه صلح، از متغیرهای عملیاتی تعریف شده برای این سازه کمک گرفته شد. بدین ترتیب کلیه کلمات و مصراع‌های حاوی مفهوم صلح، از طریق این متغیرها بیرون کشیده شدند و در ذیل متغیر مربوط به خود جای گرفتند. در برون‌کشی کدها، در صورتی که یک مصراع علاوه بر اشاره به صلح، شامل کلمه‌ای با همان مفهوم نیز بود، هم کلمه و هم مصراع هر دو به عنوان دو کد مجزا استخراج گردیدند.

ث) یافته‌های تحقیق

پس از مطالعه دقیق شصت و نه قطعه شعر مربوط به کتاب هوای تازه، کلیه کدهای مربوط به مفهوم صلح استخراج شد. در نهایت تعداد کدهای خروجی شمارش شده و تعداد آن‌ها برابر سیصد و نود و سه مورد تعیین گردید. از این میان تعداد سیصد و سی و پنج مورد کلمه (دلالت مستقیم) و تعداد پنجاه و هشت مورد نیز مصراع (اشاره غیرمستقیم و نمادین) بودند. در زیر، به عنوان نمونه، بخشی از کدهای خروجی از اشعار، به صورت دسته بندی شده در مقوله و متغیر مربوط به خود ارائه می‌گردد.

ث. ۱) آزادی

ث. ۱.۱) رهایی

آزادی: دو بار، آزاد، چهار بار، "ای خدا کشتی بفرست، آتیش بهشتی بفرست"، "آزاد میشن اسیرا"، "یه شب مهتاب ماه می‌آد تو خواب"، آزادند: دو بار.

ث. ۱. ۲) شادی

خوشحال، شادان، نشاط: دو بار، شور: سه بار، سرمست، شاداب، شادی: هشت بار، شوق: هشت بار، خنده: یازده بار، خندان: دو بار، رقص: دوازده بار، برقص، لبخند: بیست و چهار بار، مست: شش بار، مستی: دو بار، رقصید: دو بار، مستانه: سه بار، شادمانه، شاد: پنج بار، بزم، سرود: پانزده بار، شادمان: دو بار، لبخنده: دو بار، زهره (رب‌النوع شادی در ادب فارسی است): نه بار، "عروسی"، "امشب تو شهر چراغونه".

ث. ۱. ۳) آرامش

آرامش: نه بار، "مرغ مسکین، زندگی زیباست": دو بار.

ث. ۲. ۲) برادری

ث. ۲. ۱) پیمان

دوستان، یک‌دلان، پیمان: دو بار، "من درد مشترکم، مرا فریاد کن"، "با لبانت برای همه لب‌ها سخن گفتم"، "بگذار از دریچه تقدیر مشترک سخم بگویم"، "او شعر می‌نویسد؛ یعنی او دردهای شهر و دیارش را فریاد می‌کند"، یاران: شش بار.

ث. ۲. ۲) مهربانی

بوسه: بیست و یک بار، نوازش: چهار بار، عشق: هفتاد و شش بار، مهربانان، عزیزان، رقت، می‌بوسید، معشوقه، عزیز، مهر، "بوسه خیسانده، گشته دست آغوش"، "می‌توان مستانه در مهتاب با یاری بلم بر خلوت آرام دریا راند"، بوسید، می‌بوسد، "اشکی فشوندم، اشکی فشوندی"، مهربانی: دو بار، دوست داشتن، "روزی که هر لب ترانه‌ای است تا کم‌ترین سرود بوسه باشد"، "روزی که کم‌ترین سرود بوسه است"، عاشق: دو بار.

ث. ۳. ۳) آبادانی

ث. ۳. ۱) رفاه

تسکین، آسایش: شش بار، آسوده.

ث. ۳. ۲) آبادی

بهار: دوازده بار، باغ: پنج بار، آباد: چهار بار، گل‌خانه، "او شعر می‌نویسد؛ یعنی او دست می‌نهد به جراحات شهر پیر"، عمارت، "ویرونها آباد می‌شن".
 به‌منظور توصیف و تحلیل کدهای خروجی، از سه جدول شماره یک تا سه کمک گرفته شده است. سعی گردید در هر کدام از این جدول‌ها، یافته‌ها به‌نحوی طبقه‌بندی و استفاده گردند که جداول حاصل مکمل یکدیگر بوده و هم‌پوشانی حشوآمیز نداشته باشند.

جدول شماره ۱- فراوانی کدها در هر متغیر

مقوله	متغیر	کلمه		مصراع	
		فراوانی	فراوانی نسبی	فراوانی	فراوانی نسبی
آزادی	رهایی	۷	۲/۰۸٪	۹	۱۵/۵۱٪
	شادی	۱۴۲	۴۲/۳٪	۵	۸/۶۲٪
	آرامش	۹	۲/۶۸٪	۲	۳/۴۴٪
جمع مقوله	---	۱۵۸	۴۷/۰۶٪	۱۶	۲۷/۵۷٪
برادری	پیمان	۲۲	۶/۵۶٪	۱۸	۳۱/۰۳٪
	مهربانی	۱۲۴	۳۷/۰۱٪	۲۲	۳۷/۹۳٪
جمع مقوله	---	۱۴۶	۴۳/۵۷٪	۴۰	۶۸/۹۶٪
آبادانی	رفاه	۸	۲/۳۸٪	۰	۰٪
	آبادی	۲۳	۶/۸۶٪	۲	۳/۴۴٪
	---	۳۱	۹/۲۴٪	۲	۳/۴۴٪
جمع کل	---	۳۳۵	۱۰۰٪	۵۸	۱۰۰٪

ث. ۴) توصیف و تحلیل جدول شماره یک

در جدول شماره یک، فراوانی و فراوانی نسبی کدهای مربوط به هر متغیر در قالب دو واحد تحلیل یعنی کلمه (مستقیم) و مصراع (غیرمستقیم یا نمادین)، ارائه گردیده است. در واحد تحلیل کلمه، متغیر شادی به‌تنهایی چهل و دو و سه دهم درصد کدها را به خود

اختصاص داده و از این حیث در رتبه اول قرار دارد. بعد از شادی، مهربانی با تخصیص سی و هفت و یک صدم درصد کلمات حاوی مفهوم صلح به خود، در جایگاه دوم قرار دارد. کم‌ترین تعداد کلمات را متغیر رهایی با دو و هشت صدم درصد پوشش داده است. در بین مصرع‌های حاوی محتوای صلح نیز، متغیر مهربانی با دربرگرفتن سی و هفت و نه دهم درصد مصرع‌ها در جایگاه نخست قرار دارد. در این واحد تحلیل، رفاه بدون هیچ مصرع اشاره‌کننده به صلح، در پایین‌ترین جایگاه قرار دارد. در کل، مقوله آزادی بیش‌ترین کلمات حاوی محتوای صلح را در بر می‌گیرد که درصد آن برابر چهل و هفت و شش صدم درصد کل کلمات است. در واقع این بیان‌گر توجه خاص شاملو به مفهوم آزادی است که بیش‌ترین اشاره مستقیم وی به صلح از مجرای آن بوده است. در بین متغیرهای زیرمجموعه آزادی، شاملو بیشتر به شادی توجه دارد. در راستای تبیین نتیجه‌خیر و فراتر رفتن از توصیف صرف داده‌ها، لازم است که به زمینه تاریخی - اجتماعی اشعار توجه نمود. کتاب هوای تازه که بخش اعظم اشعار آن محصول دوران استبدادی پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ است (شاملو، ۱۳۱۳)، می‌بایست پیام‌آور امید و شادی در جامعه‌ای محزون و سرخورده باشد. به عبارتی شاملو که مهم‌ترین وظیفه شاعر را تعهد به مسئولیت‌های اجتماعی و به دوش کشیدن رنج انسان‌ها می‌داند در حالی که خود زمانی را پس از واقعه مذکور در زندان و پس از آن در سرخوردگی به‌سر می‌برد، بر خلاف بسیاری از روشنفکران آن زمان، از شادی سخن می‌گوید تا چراغ امیدها را برافروخته نگاه دارد و گویی خود همان دیوارِ امیدی است که این‌گونه بدان اشاره می‌کند:

«کو در میان این همه دیوار سرد و خشک، دیوار یک امید، تا سایه‌های شادی فردا بگسترند؟» (همان: ۱۶۱).

شکست فضای باز سیاسی دهه بیست و تجربه رنج همراه با آن، به محتوای اساسی بسیاری از آثار شعری دهه سی و چهل تبدیل شده بود، محتوایی که در شعر "زمستان" اخوان ثالث به نحوی روشن قابل پیگیری است. اما در همین دوره (۱۳۳۶) شاملو مجموعه شعری را منتشر می‌سازد که عنوان آن نیز حکایت از امید به آینده و روزهای پیش رو را دارد. شاملو در هوای تازه به‌جای اتخاذ رویکردی بازتابی، نگاهی هنجاری به شعر دارد؛ به عبارتی به‌جای آن‌که وضعیت نابه‌سامان محیط اجتماعی خود را در شعر منعکس نماید، به ترسیم وضعیتی مطلوب می‌پردازد که باید به‌وجود آید. به همین دلیل است که علی‌رغم مشاهده رنج‌ها و شکست‌ها، از شادی و آزادی به‌صورتی وسیع سخن می‌گوید.

شاملو هم‌چنین به برادری ارج بسیار می‌نهد؛ چرا که بیش‌ترین اشاره نمادین به صلح از دریچه این مقوله صورت می‌گیرد. حدود شصت و نه درصد کلیه مصرع‌ها در قالب مفهوم

برادری ارائه گشته‌اند. شاملو که در جست‌وجوی پیمانی انسانی و اصیل بود، به‌صورتی نمادین و شاعرانه‌تر درباره آن سخن می‌گوید؛ چرا که سخن از پیمان و وحدت در ماورای تعلقات سیاسی، عقیدتی و فرهنگی در یک جامعه و چه بسا در جهان بشری، مطابق میل حکومت‌های توتالیتر نیست؛ لذا به نظر می‌رسد علاوه بر بُعد زیبایی‌شناسانه، شاملو از طریق سخن گفتن نمادین، پیرامون مضمونی که رویکردی سیاسی دارد، به نوعی درصدد عبور از سانسور و ممیزی نیز بوده است. مجموعه هوای تازه در سال‌هایی به نگارش درآمد که اندیشه‌های رهایی‌بخش چپ کلاسیک، گفتمان غالب و مسلط جهانی را در اختیار داشت و بسیاری از انقلاب‌های آن عصر از این نوع جهان‌نگری تغذیه می‌گردید. شعار معروف مارکس تحت عنوان "کارگران جهان متحد شوید"، سرلوحه عمده این جنبش‌ها و تحركات بود (مارکس و انگلس، ۱۳۸۰). جهان‌بینی اومانستی و ماده‌گرایانه شاملو که خود متأثر از تفکر مارکسی بوده، در هوای تازه و تأکید زیاد وی بر مقوله برادری و پیمان، نمود پیدا کرده است. البته باید توجه نمود که هستی‌شناسی اجتماعی شعر شاملو، نه کارگران که همه آحاد جامعه را در بر می‌گیرد. شاملو هم‌چنین علاوه بر توجه به پیمان و وحدت، عشق و مهربانی را نیز دریچه‌ای به سوی تغییر مناسبات بین انسان‌ها و متعالی‌تر شدن آن می‌بیند؛ به‌گونه‌ای که گاه با زبانی عاشقانه، بعضی از عمیق‌ترین مسائل اجتماعی را بر زبان می‌آورد:

«موضوع شعر نیز پیوند جاودانه لب‌های مهر بود» (شاملو، ۱۳۸۳: ۱۴۵) / «با لبانت برای

همه لب‌ها سخن گفتم» (همان: ۲۱۴).

جدول شماره ۲- فراوانی اشعار بر اساس دربرگیری مقوله‌ها (در هر دو واحد تحلیل)

مقوله	تعداد اشعار حاوی مقوله		درصد اشعار حاوی مقوله	
	به صورت کلمه	به صورت مصرع	به صورت کلمه	به صورت مصرع
آزادی	۵۱	۷	۷۳/۹٪	۱۰/۱٪
برادری	۴۰	۲۰	۵۷/۹٪	۲۸/۹٪
آبادانی	۱۸	۲	۲۶/۰۸٪	۲/۸٪

ث. ۵) توصیف و تحلیل جدول شماره دو

در جدول شماره دو، تعداد اشعاری که هر کدام از سه مقوله اصلی به صورت کلمه و یا در قالب مصرع، در آن‌ها ظاهر شده‌اند، مشخص گردیده است. مجموعه هوای تازه در کل مشتمل بر شصت و نه قطعه شعر است که در این بین مقوله آزادی در هفتاد و سه و نه دهم درصد از کل اشعار به صورت کلمه بیان گشته است که از این حیث در بالاترین جایگاه و آبادانی با به‌کار رفتن در بیست و شش و هشت صدم درصد از اشعار به صورت کلمه در جایگاه پایین قرار دارد. هم‌چنین برادری با حضور در بیست و هشت و نه دهم درصد از اشعار در قالب مصرع از این حیث بالاترین جایگاه را دارد، در حالی که آبادانی تنها در دو و هشت دهم درصد از اشعار به صورت مصرع به‌کار رفته است. کم‌توجهی شاملو به مقوله آبادانی و خصوصاً متغیر رفاه، در برابر دو مقوله دیگر را می‌توان با دو برهان، علت‌یابی کرد. یکی آن‌که، جامعه ایرانی در زمان نگارش این اثر (دهه سی) و تا زمان اصلاحات ارضی، به لحاظ شاخص‌های توسعه‌یافتگی چندان وضعیت مطلوبی نداشته و یک جامعه عمدتاً مبتنی بر کشاورزی بوده است (ازکیا، ۱۳۷۱: ۱۰۵) و لذا این عدم توجه در شعر شاعران دیگر نیز نمود پیدا کرده بود. ولی دلیل اساسی‌تر را می‌توان در شناسایی دال مرکزی گفتمان مسلط در آن دوره دانست. در آن دوران که مصادف با هژمونی گفتمان چپ مارکسیستی بر بسیاری از نقاط جهان و خصوصاً جهان سوم بود، دال مرکزی را عدالت تشکیل می‌داده و نه رفاه، در حالی که در جامعه معاصر جهانی و با توجه به سیطره لیبرالیسم و نئولیبرالیسم، می‌توان گفت که رفاه، دال مرکزی گفتمان مسلط است. بنابراین به نظر می‌رسد از همین دریچه است که شاملو توجه کمتری را به رفاه مبذول می‌دارد، حال آن‌که بارها در اشعار خود از عدالت سخن می‌گوید:

«تا با مردم اعماق بجوشم و با وصله‌های زمانه‌ام پیوند یابم» (شاملو، ۱۳۸۳: ۲۸۱)

«آحاد شعر من همه افراد مردمند» (همان: ۱۴۳).

نکته دیگر آن‌که بر اساس نتایج حاصل از جدول شماره یک، مقوله‌های برادری و آزادی به ترتیب بیش‌ترین تعداد کد را به خود اختصاص داده بودند، مطابق داده‌های جدول شماره دو نیز فراوانی اشعار دربرگیرنده این دو مقوله بیشتر است. از این مقایسه می‌توان به این نتیجه دست یافت که مقوله‌های آزادی و برادری بیش‌ترین اشتغال ذهنی شاعر را در برمی‌گیرد، به گونه‌ای که در دوره چندساله نگارش اشعار هوای تازه، به صورت مفاهیمی به لحاظ تاریخی پیوسته در نگرش شاملو حضور داشته‌اند.

جدول شماره ۳- کلمات مربوط به هر متغیر که بیش از ۴ مرتبه تکرار شده‌اند

متغیر	کلماتی که بیش از ۴ مرتبه تکرار شده‌اند	جمع تکرارها در متغیر	درصد تکرارها در متغیر
رهایی	آزاد: ۴ مرتبه	۴	۱/۵٪
شادی	شادی: ۸ مرتبه، شوق: ۸ مرتبه، خنده: ۱۱ مرتبه، رقص: ۱۲ مرتبه، لبخند: ۲۴ مرتبه، مست: ۶ مرتبه، شاد: ۵ مرتبه، سرود: ۱۵ مرتبه، زهره: ۹ مرتبه.	۹۸	۳۷/۹٪
آرامش	آرامش: ۹ مرتبه	۹	۳/۴٪
پیمان	یاران: ۶ مرتبه، پیوند: ۵ مرتبه، یار: ۵ مرتبه.	۱۶	۶/۲٪
مهربانی	بوسه: ۲۱ مرتبه، نوازش: ۴ مرتبه، عشق: ۷۶ مرتبه، آغوش: ۴ مرتبه.	۱۰۵	۴۰/۶٪
رفاه	آسایش: ۶ مرتبه.	۶	۲/۳٪
آبادانی	بهار: ۱۲ مرتبه، باغ: ۵ مرتبه، آباد: ۴ مرتبه.	۲۱	۸/۱٪
جمع کل	۲۲ کلمه تکراری	۲۵۸	۱۰۰٪

ث. ۶) توصیف و تحلیل جدول شماره سه

در این جدول کلماتی که در هر کدام از متغیرها دارای تکرار بیشتر از چهار مورد بودند، ارائه شده‌اند. در این جدول، مصرع‌ها به دلیل تکرار بسیار کم نمایش داده نشدند. در

گزارش کلمات تکراری، عبارات مترادف با آن کلمه محاسبه نشده‌اند و صرفاً خود آن کلمه شمارش گردیده است. برای مثال عبارات نزدیک به "مست" مثل: مستی، مستانه و... مورد محاسبه قرار نگرفته‌اند. همان‌طور که در جدول مشاهده می‌گردد، در کل بیست و دو کلمه تکراری موجود در همه متغیرها، به تعداد دویست و پنجاه و هشت مورد تکرار شدند. این در حالی است که کل کلمات استخراج شده سیصد و سی و پنج مورد بود. بنابراین تنها همین بیست و دو کلمه، تقریباً هفتاد و هفت درصد کلمات استخراجی را تشکیل می‌دهند. در میان متغیرها، متغیر مهربانی با دربرگرفتن چهل و شش دهم درصد از کل تکرارها و پس از آن متغیر شادی با شامل شدن سی و هفت و نه دهم درصد از تکرارها در جایگاه اول و دوم هستند. این در حالی است که رهایی با دربرگرفتن تنها یک و پنج دهم درصد از تکرارها در پایین‌ترین جایگاه از این لحاظ قرار دارد. درصد بالای تکرار در دو متغیر شادی و مهربانی در برداشت شاملو از صلح، نشان از تأکید بسیار وی بر این دو مقوله دارد. لذا این تکرار نشان می‌دهد که شاملو در شعر خود، شادی و مهربانی را در راستای بهبود ارتباطات نوع‌دوستانه و صلح‌آمیز بشری، ارج بسیار می‌نهد. تکرار زیاد مقولات مذکور در شعر شاملو، از منظری روانکاوانه- جامعه‌شناختی نیز قابل بررسی است. تکرار به تعبیر گیدنز (Giddens) یکی از ارکان اساسی وضعیت اجتماعی-تاریخی بشر از عصر سنت تا دوران پیش از مدرنیته متأخر است (استونز، ۱۳۹۲: ۴۲۹). از نظر گیدنز، تکرار محصول آگاهی ضمنی و قاعده‌مند افراد است؛ به عبارتی یک نوع آگاهی نیندیشیده که وجهه‌ای شبه ناخودآگاه دارد (همان: ۴۳۰). بر اساس این دیدگاه می‌توان چنین استنباط نمود که شاملو به‌عنوان یکی از پیشگامان شعر مدرن فارسی، به‌لحاظ شخصی نیز از ذهنیتی مدرن برخوردار است که آرمان‌های مدرنیته و روشنگری (هم‌چون شادی و مهربانی یا آزادی و برادری) در کنش شعری وی به "ملکه" (Habitus) بدل شده است.

در بین بیست و دو کلمه تکراری استخراج شده، کلمه عشق با هفتاد و شش مورد تکرار با اختلاف بسیاری از دیگر کلمه‌ها در جایگاه نخست قرار دارد. در واقع، عشق به تنهایی بیست و نه و چهار دهم درصد از تکرارها را شامل می‌شود. در این مورد نیز می‌توان چنین برداشت نمود که عشق ملکه اصلی ساخت ذهنی شاعر است که وی همواره آرزوی استیلاي آن بر روابط انسانی را دارد و می‌گوید: «تمامی عظمت عاشقانه انسانی را سروده‌ام تا نسیمی برآید» (شاملو، ۱۳۸۳: ۲۶۸). بنابراین از منظر روانکاوانه می‌توان برای شعر شاملو، در برابر ساخت استبدادی ذهن (مختاری، ۱۳۷۸)، از ساخت عاشقانه ذهن نام برد. این یافته‌ها را می‌توان از منظر جامعه‌شناسی ادبیات نیز که به بررسی مناسبات میان اثر ادبی و جامعه می‌پردازد، مورد توجه قرار داد. مناسبات اشعار هوای تازه با جامعه زمان

خود، مناسباتی انتقادی و فرارونده است که ریشه در خودبنیادی هنر شاملو و استقلال نسبی آن از زمینه اجتماعی خود دارد. این در حالی است که بخش عمده‌ای از جریان شعری موسوم به شعر متعهد، در سطح انتقاد توصیفی از جامعه زمان خود باقی ماند. جریانی که به نظر می‌رسد، مضامین اصلی آن را به جای عشق، شادی و مهربانی، کلیدواژه‌هایی چون شب، تاریکی، سرما، غم و... تشکیل می‌دهد.

نتیجه

پژوهش حاضر به دنبال آن بوده است تا به بررسی جایگاه صلح در مجموعه شعر هوای تازه اثر شاملو بپردازد. هم‌چنین علاوه بر بررسی این مسئله، تبیین جامعه شناختی-تاریخی یافته‌ها نیز مورد نظر بوده است. لذا بدین منظور روش تحلیل محتوا مورد استفاده قرار گرفت. بسیاری از پژوهش‌های انجام گرفته بر روی شعر شاملو وجه صرفاً ادبی داشته و بسیار کم رویکردی علمی و جامعه‌شناسانه داشته‌اند. با این وجود مروری گذرا بر همان تحقیقات ادبی صورت گرفته، به خوبی جایگاه رفیع عناصر انسانی از قبیل دوستی، عشق، انسانیت، نوع دوستی، عدالت و... را در شعر وی نشان می‌دهد. در واقع شاید بدون انجام یک تحقیق علمی نیز استنباط مفهوم صلح از اشعار مجموعه هوای تازه، کاری پیچیده و غامض نباشد، لکن این میزان، اندازه و دلایل پرداختن به صلح در هوای تازه بود که نیاز به یک پژوهش علمی را ایجاب می‌کرد.

می‌توان گفت که صلح در اشعار هوای تازه جایگاه رفیعی دارد. از شصت و نه قطعه شعر موجود در این مجموعه، در شصت و یک مورد از این اشعار، صلح به صورت گوناگون و در قالب یکی از مقولات تعریف شده برای آن، حضور داشت و تنها در هشت شعر بود که صلح به شکل تعریف شده آن در این پژوهش، قابل استنباط نبود. از میان سه مقوله اصلی صلح؛ یعنی آزادی، برادری و آبادانی، بیش‌ترین فراوانی مربوط به مفهوم برادری بوده است که در کل صد و هشتاد و شش کد (شامل صد و چهل و شش کلمه و چهل مصرع) از مجموع سیصد و نود و سه کد خروجی را شامل گردیده است؛ به بیان دیگر یعنی چهل و هفت و سه دهم درصد از کل موارد استخراج شده را در بر دارد. بنابراین بیش‌ترین توجه به صلح، از دریچه مفهوم برادری صورت گرفته است. در میان ابعاد فرعی این مقوله‌ها نیز، متغیر مهربانی در مجموع با تخصیص سی و هفت و چهار دهم درصد از کلیه کدها، بیش‌ترین کد را به خود اختصاص داده است. هم‌چنین همین متغیر با در بر گرفتن چهل و شش دهم درصد از کل تکرارها، حاوی بیش‌ترین مقدار تکرار در کدها نیز بوده است. نتیجه دیگر آن‌که مقوله آزادی با حضور در پنجاه و یک شعر از کل اشعار (شصت و نه

شعر) در قالب کلمه و مقوله برادری نیز با حضور در بیست شعر در قالب مصرع، به ترتیب بیش‌ترین اشعار دربرگیرنده مفهوم صلح را در قالب واحدهای تحلیل مورد نظر، به خود تخصیص داده‌اند.

همه این آمار و ارقام به‌خوبی نشان می‌دهد که در هوای تازه، شاملو توجه زیادی به مفهوم صلح دارد. اما دستیابی به تبیین جامعه‌شناسانه این یافته‌ها نیازمند به فراروی از سطح توصیف و توجه به زمینه‌های تاریخی - اجتماعی نگارش اشعار است. هوای تازه محصول برهه‌ای خاص در تاریخ اجتماعی معاصر ایران است؛ یعنی اواخر دهه بیست تا اواخر دهه سی. دورانی که مصادف با چند اتفاق سیاسی - اجتماعی مهم بود؛ مانند ملی شدن صنعت نفت، خروج موقت محمدرضا شاه از کشور، کودتای ۲۸ مرداد و سقوط دولت مصدق. همه این اتفاقات موجی از امیدواری و ناامیدی در بطن جامعه و خصوصاً در بین روشنفکران ایجاد می‌نمود. با سقوط دولت مصدق بار دیگر فضای خفقان دوران رضاشاهی بر کشور حاکم شد و این رخداد بسیاری از روشنفکران را دل‌سرد و مأیوس گردانید. اما شاملو که خود دوران پس از کودتا را در زندان سپری می‌نمود، هیچ‌گاه مأیوس نگردید و همواره در هوای تازه از امید، آزادی، دوستی و برابری سخن می‌گفت. وی حتی بسیاری از صلح‌آمیزترین و انسان‌دوستانه‌ترین اشعار هوای تازه را در زندان سرود. شاملو در هوای تازه نگرش هنجاری به شعر دارد؛ به‌عبارتی به جای انعکاس آینه‌وار واقعیت، با تخیل خلاق هنری به ترسیم بایسته‌ها می‌پردازد. بنابراین به‌جای آن‌که رنج‌ها، زشت‌ها و آلام واقعیت اجتماعی پیرامون خود را بیان نماید، به خلق جهانی در شعر می‌پردازد که از تمام این واقعیت‌ها تهی باشد. این‌گونه است که با نفی امر مثبت یا واقعی، عشق، آزادی، برادری و صلح - که موجود نیستند ولی باید به‌دست آیند - مضامین محوری شعر وی می‌گردد. در واقع به‌طور ساده می‌توان گفت هوای تازه در تقابل با اجتماع عصر خود شکل می‌گیرد و این علت حضور فراوان مفهوم صلح و ابعاد آن در این اثر است.

یافته‌های حاصل از بررسی شعر شاملو، با دیدگاه‌های کانت و هابرماس نیز همخوان بوده و قابل فهم است. همان‌گونه که در بخش چارچوب نظری ذکر گردید، کانت معتقد است که یکی از مسیرهای اصلی رسیدن به صلح، پرورش انسانی اخلاقی است که دارای اراده بوده، آزاد باشد و در پرتو آزادی، آگاهانه اعمال خویش را تنظیم نماید. چنین انسانیتی نه در فضای جبر و زور که در فضایی دموکراتیک و از طریق تعلیم و تربیت قابل حصول است. همان‌گونه که نتایج پژوهش حاضر نشان داد، شعر شاملو نیز ستاینده آزادی، برابری، برادری و انسان‌رهاست؛ یعنی همان شرایطی که امکان تحقق انسانیت کانتی و صلح مترتب بر آن را فراهم می‌سازد. مطابق با دیدگاه هابرماس نیز شرط دستیابی به صلح و مناسبات

اجتماعی متعالی‌تر میان انسان‌ها، بهره‌گیری از دموکراسی مشورتی در حوزه عمومی است که این خود نیازمند احترام به حقوق دیگران و داشتن حس برابری با ایشان است. نتایج حاصل از بررسی مجموعه هوای تازه نیز نشان داد که ساخت شعری شاملو، ساختی استبداد ستیز و برابری‌خواه است که انسان‌ها را به عشق ورزیدن به یکدیگر و احترام متقابل که تسهیل‌کننده مسیر دستیابی به صلح دموکراتیک است، فرا می‌خواند.

پی‌نوشت

۱. جریان اصلی تشکیل دهنده شعر فارسی دهه چهل شمسی که شاعرانی چون احمد شاملو، مهدی اخوان ثالث، سیاوش کسرای، نصرت رحمانی، تادر نادرپور و... چهره‌های شاخص آن را تشکیل می‌دادند.

منابع

الف) کتاب‌ها

۱. ازکیا، مصطفی. (۱۳۷۸). جامعه‌شناسی توسعه و توسعه نیافتگی روستایی ایران. تهران: اطلاعات.
۲. استونز، راب. (۱۳۹۲). متفکران بزرگ جامعه‌شناسی. ترجمه مهرداد میردامادی. تهران: مرکز.
۳. شاملو، احمد. (۱۳۸۳). مجموعه آثار: دفتر یکم. تهران: نگاه.
۴. فوکو، میشل. (۱۳۸۳). اراده به دانستن. ترجمه افشین جهان‌دیده و نیکو سرخوش. تهران: نی.
۵. کانت، امانوئل. (۱۳۸۰). درس‌های فلسفه اخلاق. ترجمه منوچهر صانعی دره بیدی. تهران: نقش و نگار.
۶. مارکس، کارل و انگلس، فردریش. (۱۳۸۰). مانیفست کمونیست. برگرفته از کتاب مانیفست پس از ۱۵۰ سال (مجموعه مقالات). ترجمه حسن مرتضوی و محمود عبادیان. تهران: آگه.
۷. مختاری، محمد. (۱۳۷۸). انسان در شعر معاصر. تهران: توس.
۸. معین، محمد. (۱۳۷۷). فرهنگ فارسی. جلد اول و دوم. تهران: امیرکبیر.
۹. نوذری، حسنعلی. (۱۳۸۶). بازخوانی هابرماس. تهران: چشمه.

ب) مقاله‌ها

۱۰. اچه وریا، لوتیس. (۱۳۶۵). «صلح، خلع سلاح و تکنولوژی». پیام یونسکو. شماره ۱۹۵. صص ۶-۷.
۱۱. بهرامی کمیل، نظام. (۱۳۸۱). «روابط عمومی از دیدگاه یورگن هابرماس». هنر هشتم. شماره ۲۶. صص ۲۳-۲۴.
۱۲. قادری، مصطفی و محسن پور، بهرام. (۱۳۸۷). «تبیین برنامه درسی صلح محور در فلسفه کانت». مطالعات برنامه درسی. شماره ۸. صص ۸۱-۴۷.
۱۳. کیشی پورریک، احمد علی. (۱۳۸۵). «نقد و تحلیل محتوای شعر معاصر». فصلنامه دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر. سال اول. شماره دوم. صص ۲۳۶-۲۰۱.
۱۴. لاکوست، زان. (۱۳۷۳). «هابرماس و گفت‌وگوی آزاد». ترجمه ابراهیم صبوری. نامه فرهنگ. شماره ۱۴ و ۱۵. صص ۱۳۶-۱۳۲.
۱۵. لوفور، کلود. (۱۳۶۵). «تأملاتی درباره صلح: صلح به منزله ارزشی مطلق». نشریه پیام یونسکو. شماره ۱۹۵. صص ۴-۵.
۱۶. مارتسون، یان. (۱۳۶۵). «پیکار جهانی سازمان ملل برای خلع سلاح». پیام یونسکو. شماره ۱۹۵. صص ۲۶-۲۵.
۱۷. محمدی‌فر، غلامرضا. (بی‌تا). «نگاهی به کاربردهای روش تحلیل محتوا». نشریه پیام پژوهش. سال هشتم. شماره ۸۸. صص ۳۱-۲۶.
۱۸. مستقیمی، آمنه. (۱۳۸۹). «مروری بر تحلیل محتوا و کاربردهای آن». کتاب ماه علوم اجتماعی. شماره ۲۷. صص ۱۱۷-۱۱۲.
۱۹. معتقدی، محمود. (۱۳۸۴). «پیش از آن‌که به صحنه درآید: مؤلفه‌های انسان و عشق در شعر شاملو». گوه‌ران. شماره نهم و دهم. صص ۱۰۸-۱۰۵.
۲۰. مفتاحی، محمد. (۱۳۸۴). «زیستن و معجزه کردن: نگاهی به مفهوم زندگی در اشعار شاملو». گوه‌ران. شماره نهم و دهم. صص ۳۲۲-۳۲۹.

۲۱. یونسکو (۱۳۶۵). «یونسکو و سال بین‌المللی صلح». نشریه پیام یونسکو. شماره ۱۹۵. صص ۲۰-۲۴.

22. ariaayigirls.blogfa.com

23. www.forum.iranvij.ir (12th mars 2011).

